

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّتُ لِلْجِبَالِ
شُكْرًا وَقَدْرًا حَقًّا
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ
كَدِيمٌ عَلِيمٌ

12/11/11

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه حقوق خصوصی

نام

کوشنار (M.A)

سرپرست حقوق خصوصی

عنوان

جمہا حضرت والی عامل انسانی از سوی دولت

بر مبنای عدالت توزیعی

استاد راهنما

اسکندر ملک حسن بادینی

استاد مشاور

آقای دکتر کتبی

تفاسر: محمد موسوی

۱۲۵۶۳۵



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق خصوصی و اسلامی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: محمد موحدی ساوجی

گرایش:

در رشته: حقوق خصوصی

با عنوان: جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت بر مبنای عدالت توزیعی

را در تاریخ: ۱۳۸۸/۷/۱

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

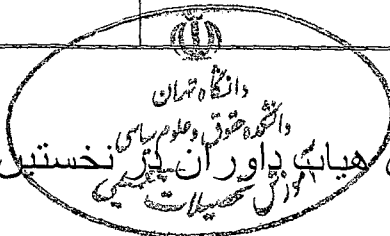
با نمره نهایی:

ارزیابی نمود.

عالی

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر حسن بادینی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر روشنعلی شکاری	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (با استاد مشاور دوم)	دکتر حسن جعفری تبار	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر مجید غمّامی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	



تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران پس از نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

۱۳۸۸/۸/۲

تعمیرات مرکز علمی بزرگ
تهیه مرکز

۱۲۵۶۳۵



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پودرسنتا _____


اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{سازشی} محمد مهدی شهنشاهی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو محمد مهدی شهنشاهی

امضاء 

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

اهداء

این رساله را به روح پدر دانشمندم که همواره مشوق علم اندوزی و کسب فضیلت برایم بود و پدر

همسرم که با خون خود فضایی آرامش بخش را برای این سرزمین مهیا نمود، اهداء می‌کنم.

چکیده

جامعه امروز آنقدر بزرگ و وسیع گشته است که سبب دخالت روزافزون دولت به عنوان بزرگترین شخصیت حقوق عمومی شده است. در واقع هر چه می گذرد از ساختار سنتی جوامع که تکیه بر گروه‌های خانوادگی، هسته‌ها و قبیله‌ها بود دور می شویم و افراد جامعه خود را در مقابل خطرات تنها می بینند. از طرفی خطرات و حوادث جوامع امروزی قابل قیاس با سابق نیست. تشعشعات اتمی، مواد دارویی و شیمیایی، داروهای زیان آور و ده‌ها حادثه مهم دیگر سبب شده است تا افراد جامعه از دولت که برآمده از خواست آنهاست بخواهند از آنها حمایت کند. امروزه دولت گاه خود مستقیماً به فریاد آسیب دیدگان می رسد و گاه با اتخاذ سیاست‌ها و راه کارهایی همچون بیمه که با مشارکت خود افراد جامعه است از آسیب دیدگان حمایت می کند.

در کشور ما این رویکرد رشد و توسعه خوبی داشته ولی هنوز دچار سردرگمی‌هایی است. قوانین جسته و گریخته و دارای نقص، ابهام و اجمال سبب شده است تا قضات و حقوقدانان ما در مقابل این رویکرد دچار سردرگمی شوند. یکی از دلایل عمده این سردرگمی را می توان نداشتن الگو و مبنای این حمایت دانست. در واقع مبنای جبران دولتی خسارات دارای عامل انسانی، عدالت توزیعی است ولی چون جایگاه این مبنا با عدالت اصلاحی که زیربنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر است به خوبی روشن نشده است. - دولت گاه خود را موظف به حمایت می بیند و گاه از حمایت سر باز می زند. درحالیکه حمایت از زیان‌دیده در هر دو یافت می شود. جالب است گاه دیده می شود با اینکه دولت عامل زیان است و مرتکب عمد نیز شده است خود را موظف به جبران خسارت زیان‌دیده نمی بیند مانند خسارات ناشی از اعمال حاکمیتی دولت پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی، صندوق تأمین خسارات بدنی، مسئولیت دولت در مورد اشتباه قاضی و نظام تأمین اجتماعی دلالت بر حمایت از زیان‌دیده‌گان دارد.

تقدیر و تشکر

این رساله بدون کمک و همیاری اساتید گرانقدر، به ثمر نمی‌نشست. لازم است در این راستا از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر بادینی که به حق راهنمای بنده در این رساله بودند کمال تشکر را داشته باشم. همچنین از استاد مشاور جناب آقای شکاری و استاد داور جناب آقای جعفری تبار که قبول زحمت فرمودند، تقدیر و تشکر کنم. در کنار همه این بزرگواران لازم است از تمامی اساتیدم در حوزه و دانشگاه که آرام آرام جوانه علم را در من بارور نمودند، سپاسگزاری نمایم و در آخر از مادر و همسر که با صبر و گذشت، در این راه یاری‌ام نمودند، صمیمانه تشکر نمایم. و خدای مهربان را برای این همه لطف و نعمتش شکرگذار باشم.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول - مفاهیم بنیادین و مبانی.....	۵
مبحث اول - مفهوم دولت و جبران خسارت.....	۵
گفتار اول - مفهوم دولت.....	۵
گفتار دوم - مفهوم جبران خسارت.....	۷
مبحث دوم - مفهوم، قلمرو و انواع نظریه ها راجع به عدالت توزیعی.....	۱۰
گفتار اول - مفهوم عدالت.....	۱۰
گفتار دوم - مفهوم عدالت توزیعی.....	۲۰
گفتار سوم - قلمرو و نقش عدالت توزیعی.....	۲۲
گفتار چهارم - انواع نظریه ها راجع به عدالت توزیعی.....	۲۳
مبحث سوم - بنیادهای راجع به جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت بر مبنای عدالت توزیعی در فقه.....	۳۱
گفتار اول - قاعده لاضرر.....	۳۱
گفتار دوم - موارد پرداخت از بیت المال در فقه.....	۳۷
گفتار سوم - تامین اجتماعی در اسلام.....	۴۳
گفتار چهارم - نهاد عاقله.....	۵۰
مبحث چهارم - کاستیهای مسؤولیت مدنی و چرایی لزوم جبران خسارت توسط دولت.....	۵۶
گفتار اول - کاستیهای مسؤولیت مدنی.....	۵۶
گفتار دوم - مزایا و معایب جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت.....	۶۱
گفتار سوم - جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت، مکمل مسؤولیت مدنی.....	۶۵
فصل دوم - موارد جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت در حقوق ایران.....	۶۷
مبحث اول - پرداخت دیه از بیت المال در قانون مجازات اسلامی.....	۶۷
گفتار اول - موارد پرداخت دیه از بیت المال.....	۶۷

- گفتار دوم- حدود و ثغور پرداخت دیه از بیت المال ۶۹
- گفتار سوم- نتیجه گیری، پیشنهاد ۷۶
- مبحث دوم- صندوق تأمین خسارات بدنی ۷۷**
- گفتار اول- ویژگی های صندوق تأمین خسارات بدنی ۷۷
- گفتار دوم- صندوق تأمین خسارات های بدنی در قانون فعلی و قانون سابق ۸۰
- گفتار سوم- تفاوت «صندوق» تأمین خسارات های بدنی با «بیت المال» موضوع قانون مجازات اسلامی ۸۲
- گفتار چهارم- نتیجه، پیشنهاد ۸۴
- مبحث سوم- مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود ۸۵**
- گفتار اول- مسئولیت دولت نسبت به اشتباه قاضی ۸۵
- گفتار دوم- ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۸۸
- گفتار سوم- لایحه مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی ۹۰
- مبحث چهارم- نظام تأمین اجتماعی ۹۳**
- گفتار اول- زمینه های تاریخی تأمین اجتماعی ۹۵
- گفتار دوم- شیوه های قدیمی تأمین اجتماعی ۹۵
- گفتار سوم- نظام تأمین اجتماعی مدرن ۹۸
- گفتار چهارم- نظام تأمین اجتماعی ایران ۱۰۳
- منابع: ۱۳۷**

مقدمه

۱. معرفی موضوع

عنوان رساله چند مفهوم را با هم مرتبط نموده است. «جبران خسارت از سوی دولت»، «دارای عامل انسانی»، «بر مبنای عدالت توزیعی».

مفهوم اول به مواردی اشاره دارد که دولت خسارات و زیان‌های وارد شده به افراد را جبران می‌نماید. مواردی که زیان‌دیده بی‌پناه، مأوایی را برای زدودن یا کاستن آثار ناشی از حوادث نمی‌یابد. این مفهوم مواردی را که شخص زیان‌دیده چه بر اساس تقصیر و چه بر اساس مسئولیت محض و ... رأساً جبران خسارت می‌کند خارج می‌نماید. همچنین نهادهای خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه را که خارج از محدوده و قلمرو دولت هستند و به کمک افراد زیان‌دیده می‌شتابند، خارج می‌کند.

مفهوم «دارای عامل انسانی» حوادثی را دنبال می‌کند که ناشی از انسان باشد. در واقع حوادث قهری مانند سیل، زلزله و ... یا نقایص مادرزادی مانند معلولیت، کوری و ... را شامل نمی‌شود. در واقع این رساله می‌خواهد جایگاه دولت را در رابطه میان فرد عامل زیان و زیان‌دیده روشن نماید و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. این رساله به دنبال آن است تا در حادثه‌ای که زیان‌دیده توسط فردی ضرر زنده آسیب دیده است ردپای حقوق عمومی و حقوق خصوصی را بجوید و رابطه بین آن دو و نقش آن دو را بازبینی کند.

مفهوم «بر مبنای عدالت توزیعی»، مبنای حمایت دولت را نشان می‌دهد. «عدالت توزیعی» در مقابل اصطلاح «عدالت اصلاحی» قرار دارد. «عدالت توزیعی» معیاری برای حمایت دولت به شمار می‌رود، و مکتب‌های مختلفی که در خصوص آن وجود دارد، قلمرو حمایت دولت نسبت به افراد مورد حمایت را رهنمون می‌دهد. «عدالت توزیعی» از زیان‌دیده‌ای که بدون جبران خسارت رها شده باشد، حمایت کرده و جبران خسارت می‌کند و تفاوتی نمی‌کند که سبب زیان عاملی انسانی باشد یا غیر انسانی. و در فرض داشتن عامل انسانی وارد کننده زیان، مقصر باشد یا خیر. در حالی که «عدالت اصلاحی» تنها به روابط دو انسان توجه می‌کند و در صورت اثبات تقصیر از سوی عامل زیان، وی را مکلف می‌کند تا وضعیت فرد زیان‌دیده را به حالت سابق برگرداند.

در مجموع این رساله از مصادیق حمایت دولت در مواردی که عامل انسانی، سبب ورود زیان باشد بحث می‌کند و جایگاه «عدالت توزیعی» را به عنوان مبنای معیار این حمایت و دامنه آن نشان می‌دهد.

۲. انگیزه انتخاب موضوع و اهمیت آن

دو دلیل عمده، انگیزه تحقیق در این موضوع را ایجاد می‌کند: یکی تازگی و بکر بودن عرصه تحقیق و دیگری ابعاد نظری و عملی آن تا آنجا که تحقیق در این زمینه پیمودن عرصه‌های مختلفی را از حقوق عمومی و حقوق خصوصی تا حقوق جزا و فقه می‌طلبد. پس از شناخت تعریف موضوع تا حدودی اهمیت آن روشن شد. تغییر ساختار جوامع از طرفی و افزایش حوادث گوناگون و مخاطرات پیش روی آدمی از سوی دیگر سبب شده است تا بشر در مواجهه با این خطرات راه کار مؤثر و شایسته‌ای بیابد و آن راهکار چیزی جز حمایت دولت از وی نیست. اهمیت این موضوع در جایی رخ می‌نماید که فهمیده شود که قانونگذار ما مبنایی برای حمایت مشخص نکرده و این عدم تبیین سبب شده است که در موارد مشابه، دچار سردرگمی شده و یکجا حمایت نموده و جایی دیگر حمایت خود را دریغ ورزد.

۳. پیشینه تحقیق

درباره موضوع رساله هیچگونه کتاب مدونی یافت نمی‌شود هر چند به طور جزئی کتب فقهی و حقوقی بسیار راهگشا بوده اند.

۴. اهداف و سؤالات تحقیق

با عنایت بر مطالب پیشین می‌توان دریافت که اهداف و سؤالات تحقیق در خصوص موضوع رساله چیست. هدف آنست تا جایگاه دولت در جبران خسارت افرادی که زیان دیده‌اند و عامل زیان به هر دلیل توان جبران ندارد مشخص گردد و رابطه بین دولت و عامل زیان با زیان دیده تبیین شود. لذا پاسخ به سؤالات ذیل هدف اصلی از طرح این رساله است:

۱. آیا دولت مکلف است از زیان دیدگان ناشی از عامل انسانی حمایت کند و خسارات وارد شده به آن‌ها را جبران نماید. درحالیکه خود نقشی در ایجاد خسارت نداشته است؟
۲. در صورت مثبت بودن پرسش پیشین، مبنای چنین جبران خسارتی چیست و قلمرو آن کدام است؟
۳. موارد جبران دولتی خسارات دارای عامل انسانی بر مبنای عدالت توزیعی کدام است و آیا کاستی‌هایی نیز در این نظام وجود دارد؟
۴. در صورت وجود کاستی‌هایی در نظام حقوقی ایران برای رفع آن چه پیشنهاد‌هایی می‌توان ارائه داد؟
۵. فقه اسلامی به عنوان یکی از منابع مهم حقوق ایران در خصوص حمایت دولت از افراد زیان‌دیده چه نظری دارد؟ آیا رگه‌هایی از حمایت دولت را در احکام فقهی می‌توان یافت؟

۵. روش تحقیق و تحلیل داده‌ها

در این رساله به قوانین و مقررات، کتب، مقالات و نظرات اندیشمندان حقوقی ایران و دیگر کشورها که مربوط به موضوع رساله است مراجعه شده است. روش تحقیق کتابخانه‌ای - اسنادی است و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. این رساله از منابع فقهی و خارجی نیز بهره‌شایانی برده است. سایت‌ها به ویژه سایت مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی در خصوص ارائه مقالات مرتبط با موضوع تأمین اجتماعی بسیار سودمند بود.

۶. طرح مطالب

این رساله در قالب دو فصل طراحی گشته است. فصل اول به مفاهیم بنیادین و مبانی جبران دولتی خسارات می‌پردازد و در فصل دوم موارد جبران خسارت دارای عامل انسانی بر مبنای عدالت توزیعی در حقوق ایران مورد بحث و بررسی واقع شده است. پرداختن به مفاهیم و مبانی به عنوان زیربنای رساله بدیهی است. زیرا تبیین چرایی و حدود و ثغور موضوع به آن بستگی دارد و راه را برای پرداخت به اصل موضوع در فصل دوم هموار می‌کند.

فصل اول در قالب چهار مبحث تنظیم شده است. مبحث اول در باره مفهوم دولت و جبران خسارت در رساله است و مبحث دوم به مفهوم، قلمرو و انواع نظریه‌ها راجع به عدالت توزیعی می‌پردازد. مبحث سوم بنیادهای راجع به جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت بر مبنای عدالت توزیعی در فقه را مورد کنکاش قرار می‌دهد. و مبحث چهارم کاستیهای مسئولیت مدنی و موارد لزوم جبران خسارت توسط دولت را توضیح می‌دهد. در واقع این چهار مبحث زیربنای فصل دوم به شمار می‌رود و از این منظر در تبیین وضعیت جبران خسارت از سوی دولت در ایران و ارائه پیشنهادات لازم در خصوص تغییر یا اصلاح قوانین کمک‌شایانی خواهد نمود.

در فصل دوم موارد جبران خسارات از سوی دولت در حقوق ایران بررسی شده است و در قالب چهار مبحث این موارد ذکر شده است. مبحث اول پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی، مبحث دوم صندوق تأمین خسارات بدنی، مبحث سوم مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود و در مبحث چهارم نظام تأمین اجتماعی بررسی شده است. در پایان هر مبحث به نواقص و کاستی‌ها و ابهامات موجود در قانون اشاره شده تا فرضیه رساله در خصوص کاستی‌های جبران دولتی خسارات دارای عامل انسانی به خوبی خود را نشان دهد.

در انتها به نتیجه‌گیری از مجموع رساله پرداخته شده است و آنچه این رساله در صدد تبیین و اثبات آن بوده همراه با پیشنهادات لازم ارائه شده است.

جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت بر مبنای عدالت توزیعی

در این فصل چهار مبحث پیگیری شده است. مبحث اول مفهوم دولت و جبران خسارت، مبحث دوم مفهوم؛ قلمرو و انواع نظریه ها راجع به عدالت توزیعی، مبحث سوم بنیادهای راجع به جبران خسارت دارای عامل انسانی از سوی دولت بر مبنای عدالت توزیعی در فقه و مبحث چهارم کاستیهای مسئولیت مدنی و چرایی لزوم جبران خسارت توسط دولت بحث و بررسی شده است.

فصل اول - مفاهیم بنیادین و مبانی

مبحث اول - مفهوم دولت و جبران خسارت

این مبحث در قالب دو گفتار ارائه می شود. در گفتار اول به مفهوم دولت و در گفتار دوم به مفهوم جبران خسارت پرداخته شده است.

گفتار اول - مفهوم دولت

یکی از اساتید حقوق، دولت را به دو معنای خاص و عام تعریف نموده است. ایشان گفته اند: «در زبان حقوقی ما «دولت» به دو معنی خاص و عام به کار می رود.

۱- دولت به معنای خاص به مدیران کشور گفته می شود و سازمان های اداری و اجرایی را در بر می گیرد. اداره این سازمانها به طور معمول به عهده هیئت وزیران است و احتمال دارد به ریاست نخست وزیر یا رئیس جمهور تشکیل و هدایت شود. چنانکه پیش از اصلاح قانون اساسی، نخست وزیر این وظیفه را به عهده داشت و اکنون با رئیس جمهور است.

۲- دولت به معنای عام که مرادف با «حکومت» است و شامل تمام سازمان های اداری و قضایی و قانونگذاری می شود و وصف بارز آن «حاکمیت» و سلطه در روابط داخلی و بین المللی است. برای مثال، در موردی که گفته می شود «دولت جمهوری اسلامی ایران» یا «دولت عهدنامه دوستی با بلژیک را امضاء کرد» یا «دولت ایران عضو سازمان ملل متحد است»، مقصود همین معنای عام است. منتها در درون هر دولت منظم، نوعی تقسیم کار وجود دارد: قوای سه گانه قانونگذاری و قضایی و اجرایی، در عین جمع آمدن در نهاد عام دولت از یکدیگر جداست. سازمان صالح برای قانونگذاری «مجلس نمایندگان» است، امر قضا به دادگاهها واگذار شده، و امور اجرایی و اداری با وزیران است (دولت به معنی خاص).^۱

یکی دیگر از اساتید حقوق اساسی درباره واژگان دولت و معانی آن چنین می نویسد: «در زبان های فرانسه و انگلیسی واژه State = Etat از واژه Status مشتق است و آن در لغت به معنای وضع و حالت یک شیء آمده است. مثلاً می گوئیم او در حالت ایستاده است و یا او وضع ثابتی دارد. و بعدها در نوشته جات سیاسی کم کم به معنای «وضع و حالت کشور و امور عمومی» به کار رفت. واژه دولت با معنای کنونی از اوایل قرن شانزدهم در برخی کتب سیاسی مانند «شهریار» اثر مشهور ماکیاولی (۱۵۱۵ میلادی) و «شش کتاب جمهوری» اثر ژان بدن فرانسوی (۱۵۷۶) معمول و رایج گردید.»

ایشان پس از این سه معنا را برای دولت ذکر می کند. غیر از دو معنایی که قبلاً بیان شد ایشان دولت را به کشور و یا جامعه ملی تعریف می نماید. ایشان می گوید «دولت به معنای وسیع کلمه به کشور (جامعه

۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۲.

سیاسی) و یا جامعه ملی اطلاق می شود مثلاً وقتی گفته می شود که انگلستان دولتی است یا فرانسه ، ایتالیا و ایران دولتهایی هستند منظور بیان این است که کشورهای مزبور جوامع معینی اند که در سرزمین های معینی تحت حکومتی خاص خود زندگی می کنند .^۲

در این رساله مقصود از دولت، معنای عام آنست که در معنای دوم آمد. یعنی سخن بر سر آن است که دولت و حکومت بر مبنای عدالت توزیعی کجا و چگونه باید خسارات وارد شده به افراد جامعه خود را تامین کند در حالی که سبب ورود خسارت ، او یا کارکنانش نبوده اند و این مطلبی است که تنها مربوط به دولت به معنای خاص نمی گردد .

۲. طباطبائی مؤتمنی ، منوچهر ، حقوق اساسی ، ص ۲۱.

گفتار دوم - مفهوم جبران خسارت

جبران خسارت مفهومی آشناست. مفهومی که به دنبال ضرر و زیان می آید اما نه هر ضرر و زیانی. ضرری که عرف به آن ارزش جبران می دهد و اجتماع برای آن اهمیت قایل است. اگر کسی در مسابقه ای شرکت کند اگر چه به زیان دیگر شرکت کنندگان عمل نموده است ولی لازم نیست جبران خسارت نماید یا اگر کسی با دیگری ازدواج نماید اگر چه موجب حرمان دیگران نسبت به ازدواج با او می گردد لیکن هیچکس نمیگوید او باید جبران خسارت نماید زیرا اینگونه ضررها لازمه زندگی اجتماعی است. به گفته ژان پل سارتر: «همیشه به هزینه دیگری زندگی می کنیم».^۳

قرنها بود که سمت و سوی جبران خسارت و نوک پیکان به سوی عامل ورود زیان بود و اگر در این راستا چیزی به زیان دیده میرسید از این نقطه نظر بود. یعنی برای تنبه، او را مجبور به جبران خسارت میکردند و لذا اگر راهی دیگر می یافتند او مجبور به جبران خسارت نبود مثلاً در جوامع ابتدایی این عمل را نوعی اختلال در نظم عمومی تلقی میکردند و در صورت تقصیر شخص را مجازات می کردند اما از اوایل قرن بیستم نوع نگاه تغییر کرد و زیان دیده ارج و قرب خود را پیدا نمود تا آنجا که بعضی آنرا تنها هدف مسئولیت تلقی نموده اند. ریپر میگوید «مسئله مسئولیت چیزی جز مسئله جبران خسارت نیست».^۴

اگر به جبران خسارت زیان دیده به عنوان مبنا و هدف نگریسته نشود بحث از جبران دولتی خسارات دارای عامل انسانی بی مبناست زیرا در اینجا به دنبال جبران خسارات افرادی هستیم که در دریای متلاطم جامعه بواسطه زیانهای سنگینی که دیده اند استخوانهایشان خرد شده و دولت اگر چه مسئول نبوده ولی به دلایل توجیهی که بعداً خواهد آمد بار زیان را از دوش آنان بر میدارد یا حداقل از آن می کاهد. اما در صورتی که مرکز توجه به سوی عامل ورود زیان باشد تنها زیان دیده حق دارد از او مطالبه خسارت نماید و لذا اگر او نتواند جبران زیان نماید یا اصلاً او یافت نشود سخن از جبران خسارت بی معناست و مبنایی برای جبران خسارت دولت نمیتوان یافت.

اما در اینجا سولاتی مطرح میگردد که باید به آنها پاسخ گفت. چه ضرر و زیانهایی قابل مطالبه اند؟ آیا مسئولیت دولت شامل زیانهای معنوی افراد نیز میشود؟ نحوه جبران خسارات چگونه است؟

پاره ای از نویسندگان شرایط ضرر قابل مطالبه را در چهار عنوان خلاصه کرده اند: (۱) ضرر باید مسلم باشد (۲) ضرر باید مستقیم باشد (۳) ضرر باید مشروع باشد (۴) ضرر باید شخصی باشد نه عمومی.^۵ علاوه بر این سه شرط دیگر را باید به آن افزود. (۱) ضرر باید جبران نشده باشد. (۲) ضرر باید قابل پیش بینی باشد (۳) ضرر باید ناشی از اقدام زیان دیده نباشد.

۳. تنک، مسئولیت مدنی، ش ۲۳، ص ۲۴، به نقل از حسن بادینی، فلسفه مسئولیت مدنی، ص ۲۲۶

4. Ripert, George, : " Le régime démocratique et Le droit civil modern" p. 308-309.

۵. فیلیپ لوتورنو، مسئولیت مدنی، ش ۴۳۳ به بعد. به نقل از استاد ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، ش ۱۰۸ به بعد.

درباره مفهوم هر یک از این شرایط ، موارد و سوالات متعددی که نسبت به هر کدام وجود دارد بحث بسیار صورت گرفته است که این رساله در صدد بررسی آن نیست ولی در اینجا اجمالا ذکر می شود که اگر ضرری مسلم نباشد و صرفا ناشی از احتمالی باشد که عقلا به آن وقعی نمی نهند، شخص نمی تواند از دولت طلب خسارت کند زیرا حکم به جبران، در صورتی است که موضوع ضرر مسلم باشد. به عبارت دیگر «ثبت الارض ثم انقش» یعنی اول زمین را بیاب سپس در آن به نقش و نگار پردازد.

گاه اتفاق می افتد که ضرر به تبع خود ضررهایی را به دنبال دارد. شخصی در حادثه ای مجروح می گردد و معلوم نیست چه کسی او را مجروح ساخته. حال دولت میخواهد به فریاد او برسد آیا شخص می تواند از دست دادن همسر خویش را نیز که ناشی از عوارض روانی و جسمی او که ناشی از بیکاری او که ناشی از جراحت اوست بخواند؟ قطعاً عرف چنین فراخی را نمی پذیرد و دولت را تنها نسبت به جراحات وارده به او که ضرر مستقیم است مسئول می شناسد. (البته در صورتی که مسئولیت دولت را در این گونه موارد بپذیریم).

اگر ضرری که به شخص وارد میشود ناشی از رفتاری نامشروع باشد شخص نمیتواند مطالبه خسارت نماید. به عنوان مثال زنی با شخصی رابطه نامشروع برقرار میکند و در این راستا آسیب جدی به او وارد میشود و آن شخص نیز پس از چندی فوت میکند. در اینجا زن مستحق جبران خسارت نیست.

گاه ضرر وارده جبران میشود در این حالت دولت نیز موظف به جبران خسارت نیست و به همین خاطر است که گفته می شود زیان دیده نمی تواند دو یا چند وسیله جبران ضرر را با هم جمع نماید. و نیز در صورتی که شخص خود اقدام به زیان نموده باشد مستحق جبران نیست زیرا خود کرده را تدبیر نیست.

تا اینجا شرایطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که استحقاق جبران بر مبنای تقصیر و عدالت توزیعی مترتب بر وجود آنها بود اما یک شرط وجود دارد که بر مبنای عدالت توزیعی ضرورت ندارد در حالی که بر مبنای تقصیر کاملاً ضروری است و آن عبارتست از اینکه ضرر باید قابل پیش بینی باشد. در حقیقت سوال اینست آیا دولت برای جبران خسارت ، لازم است احراز کند که عامل ورود زیان می توانسته ضرر را پیش بینی نماید یا خیر تا به فریاد زیان دیده برسد؟ بر مبنای تقصیر چون قابلیت سرزنش خطا کار باید مورد واکاوی قرار گیرد جای این بحث کاملاً عقلایی است زیرا عدالت از انسانها انتظار دارد که از تجربه گذشته پند گیرند و کاری نکنند که احتمال ورود ضرر به دیگران را داشته باشد و لذا در صورت پیش بینی ضرر باید جبران خسارت نماید اما این مساله در عدالت توزیعی معنا ندارد زیرا به دنبال یافتن علت زیان نیست بلکه به دنبال برداشتن زیان از دوش زیان دیده است و کاری به این ندارد این زیان از کجا ناشی شده است. آیا از سوی عاملی انسانی است یا غیر آن؟

از آنچه گذشت می توان نتایج ذیل را ذکر نمود.

۱- هر خسارتی قابل جبران نیست .

۲- مقصود از جبران خسارت ، جبران خسارت اخلاقی^۶ نیست بلکه واردکننده زیان خواه مرتکب تقصیر شده باشد یا نشده باشد و اصلا خواه ضرر ناشی از عامل انسانی باشد یا نباشد ، دولت به جبران خسارت می پردازد پس مقصود از جبران خسارت، مفهوم مطلق جبران خسارت^۷ است .

۳- قابل پیش بینی بودن ضرر بر مبنای تقصیر ضروری است در حالی که این شرط در خصوص حمایت دولت و بر مبنای عدالت توزیعی بی معناست.

مبحث دوم- مفهوم، قلمرو و انواع نظریه ها راجع به عدالت توزیعی

این مبحث در قالب چهار گفتار ارائه می شود. گفتار اول مفهوم عدالت، گفتار دوم مفهوم عدالت توزیعی، گفتار سوم قلمرو و نقش عدالت توزیعی و گفتار چهارم به انواع نظریه ها راجع به عدالت توزیعی می پردازد.

گفتار اول- مفهوم عدالت

درباره عدالت سخن گفتن چندان آسان نیست. قرنهایست که فیلسوفان، حاکمان و اندیشمندان در این باره داد سخن گفته اند. شاید حاکمی را نتوان یافت که از عدالت سخن نگفته باشد. بسیار زور گویانی که با این مفهوم از هیچ جنایتی دریغ نورزیدند. و شاید به همین خاطر است که باید بسیار ظریفانه و با دقت از این مفهوم گفت و نوشت. به هر حال از آنجا که رکن این رساله عدالت توزیعی است که در حقیقت زیر مجموعه ای از مفهوم عدالت است، به همین خاطر در اینجا به بررسی این مفهوم پرداخته شده و در قالب چهار بند ارائه شده است. مفاهیم مرسوم عدالت، مفاهیم جدید عدالت، عدالت از نظر اندیشمندان اسلامی و عدالت از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مفاهیم مرسوم عدالت

مظهر مباحثات و مناظرات در این دوران را باید در یونان جستجو کرد. در این دوران اندیشمندانی ظهور کرده اند که هر که بخواهد فلسفه بخواند و بداند و یا به مسائل بنیادین بشر بپردازد ناچار است چندی از عمر خود را در بررسی نظرات آنان سپری کند. عدالت نیز از این مقولات است. ما نیز به طور مختصر نظرات ایشان را بررسی میکنیم.

افلاطون در تعریف عدالت می گوید: «عدالت آنست که هر کس آنچه را که حق اوست به دست آورد، و حرفه ای در پیش گیرد که استعداد و شایستگی آنرا دارد»^۸
ارسطو می گوید: «بهترین گونه زندگی آن است که بر پایه میانه روی و اعتدال باشد ... رعایت حد وسط در بین افراط و تفریط عدالت است»^۹

رواقیون معتقد بودند که تمامی بشر از حیث بهره مندی از عقل یکسان هستند و لذا اطلاع آنها از قانون طبیعی به یک میزان است. قانون طبیعی مظهري از عقل جهانی است و بر این اساس در روم «مفهوم قانون شامل حال همگان» پدیدار شد و لذا در تعریف عدالت مفهوم «نفع مشترک» لحاظ گردید.^{۱۰}

۸. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، ص ۳۹

۹. راسل، تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۳۳۴، به نقل از محمد اصغری، عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق، ص ۲۵۸

۱۰. بشیریه، دولت عقل، ص ۲۸. به نقل از محمد اصغری، عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق، ص ۲۵۸

۲- مفاهیم جدید عدالت

هابز در تعریف عدالت می گوید: «عدالت دقیقا عبارت از وفای به عهد و پیمان است. در صورتی که دیگران نیز به قول و قرار خویش وفا کرده باشند.»^{۱۱}

کانت فیلسوفی اخلاق گراست و از این نقطه نظر به عالم می نگرد. او در تعریف عدالت میگوید: «عدالت هر عملی است که بنیادش بر این باشد که آزادی هر کس با آزادی همه اشخاص سازگار گردد، حکم کلی در این باب این است که چنان عمل کن که آزادی تو بر طبق یک قاعده کلی با آزادی همه مردم سازگار گردد.»^{۱۲} در حقیقت کانت در مقابل دیدگاه هابز ایستاد و معتقد بود که عدالت با منفعت سازگار نیست زیرا فرامین اخلاقی که عدالت نیز از همین قسم است به هیچ چیز مشروط نیست در حالی که میل و لذت و منفعت به لحاظ عقلانی عمومی نیست و چنین است که کانت می گوید «بر اساس اصلی عمل کنید که بخواهید آن اصل به قانونی عام و جهان شمول تبدیل گردد.»^{۱۳}

مارکس، اندیشمند سوسیالیست، با حذف مالکیت خصوصی و جایگزینی مالکیت عمومی به عدالت با نگاهی اقتصادی می نگرد و در مورد عدالت می گوید: «جامعه میتواند بر درفش خود بنویسد: از هر کس به قدر توانایی و به هر کس به اندازه نیاز.»^{۱۴} در حقیقت او معتقد بود که آزادی و آگاهی غایت زندگی انسان است و این غایت تنها در جامعه جدیدی حاصل خواهد شد که در آن تعارض میان منافع خصوصی و مصلحت عمومی از میان برود. این تعارض در نظام سرمایه داری به اوج خود می رسد که ناعادلانه ترین و پر تعارض ترین صورت بندی اجتماعی است. لذا لازمه رفع این تضاد و دستیابی به عدالت، کوشش انقلابی برای از میان برداشتن نهاد مالکیت خصوصی و استثمار و سلطه طبقاتی خواهد بود. با امحای سرمایه داری، طبع بشر نیز تحول خواهد یافت و سازش میان فرد و جامعه ممکن خواهد شد. بنابر این به طور کلی از نظر مارکس وضع تاریخی- طبیعی، وضعی عادلانه نیست بلکه عدالت تنها از طریق مداخله انسان برقرار خواهد شد.^{۱۵}

دو نظریه اساسی در باب عدالت در قرن بیستم مطرح شد یکی نظریه جان رالز و دیگری نظریه رابرت نوزیک. نظریه اول در متن سنت کانتی و نظریه دوم در متن سنت هابزی در حوزه فلسفه عدالت مطرح شده اند.

۱۱. ریچارد تاک، هابز، ترجمه حسین بشیریه، ص ۱۰۴

۱۲. فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، ج ۲، ص ۱۶۹

۱۳. بشیریه، حسین، عقل در سیاست، ص ۱۱۸

۱۴. پیتر، آندره، مارکس و مارکسیسم، ص ۹۷

۱۵. بشیریه، حسین، فلسفه عدالت، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ص ۳۱، به نقل از:

Marks, Karl, Economic and Philosophical Manuscripts of 1844; London, 1964.